



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

www.m-hekmat.com

دوره دوم

۱۳

جمعه، ۱۴ فروردین ۱۳۸۳

۲ آوریل ۲۰۰۴

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

انترناسیونال

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

جهت سهولت کار مراکز تکثیر انترناسیونال در شهرهای ایران و محدودیتهای برخی مراکز و فعالین حزب برای تکثیر و توزیع انترناسیونال ۴ صفحه ای، انترناسیونال در قطع کوچکتر و در ۲ صفحه نیز منتشر میشود. نسخه ۲ صفحه ای نشریه نیز در سایت انترناسیونال قابل دسترسی است: www.anternasional.com



درباره اولویتها و جهت گیریها

مصاحبه با حمید تقوائی

نقش حزب بعنوان نماینده و سخنگوی انقلاب است که در بند یک پلاتفرم به آن اشاره شده است، و نکته دیگر سیاستهای منتج از بحث حزب و جامعه است که در بند سوم تشریح شده است. در مورد نمایندگی کردن انقلاب قطعنامه حزب کمونیست کارگری و چشم انداز انقلاب

حمید تقوائی: همه بندهای پلاتفرم به نحوی در خدمت تقویت حزب و موقعیت آن در جامعه است و باین اعتبار به نقش و قدرت دخالتگری حزب در انقلاب و امکان و توانائیش براس کسب قدرت سیاسی مربوط میشود. اما در سطح مشخص آنچه مستقیماً در شرایط حاضر تأثیر تعیین کننده ای در تأمین رهبری حزب در انقلاب دارد یکی ایفای

انترناسیونال: سند "اولویتها و جهت گیریها، پلاتفرمی برای رهبری حزب کمونیست کارگری" که در پلنوم بیستم حزب تصویب شد، در مقدمه اش به تحقق همه جانبه وظایف مندرج در پلاتفرم بعنوان راه پیروزی حزب و انقلاب اشاره میکند. جنبه های اساسی پلاتفرم که مربوط به پیروزی انقلاب و کسب قدرت سیاسی توسط حزب باشد کدامند؟

صفحه ۲

در حاشیه رویدادها (رژیم و اتم / لوح یادبود قربانیان ترور میکونوس) صفحه ۴



"برلینی ها" دارند میانند!

به مناسبت چهارمین سالگرد کنفرانس برلین

مینا احدی

سیاسی با ایران را رونق بخشید و به اعتراضات در مورد نقض و سرکوب حقوق انسانی، با تز نخ نمای دیالوگ انتقادی و همچنین تز "کمک و تقویت اصلاح طلبان" پاسخ داد. قرار بود با شرکت چند هزار نفر و در مقابل دوربینهای تلویزیونها و رسانه های بین

سازمان داده بود که در آن قرار بود به جهانیان اعلام شود که اوضاع در ایران بر وفق مراد است. گفته شود که حکومت جنایت و کشتار و زندان و سنگسار اسلامی، در حال اصلاح شدن است، گفته شود که خاتمی قهرمان اصلاحات در ایران است و بنابراین میتوان بدون عذاب وجدان دکان روابط اقتصادی و

در فاصله روزهای ۷ تا ۹ آوریل سال ۲۰۰۰، شهر برلین شاهد یک کنفرانس در مورد ایران و با هدف کمک به سر پا نگهداشتن جمهوری اسلامی ایران بود. این کنفرانس به شکست کشانده شد و به یک روز تاریخی در ایران و تا حدودی در آلمان تبدیل شد. دولت آلمان با توافق جمهوری اسلامی ایران، کنفرانسی را

صفحه ۴

قطعنامه در مورد

ابراز وجود اجتماعی رهبران عملی و فعالین چپ

کلیات این قطعنامه در پلنوم بیستم کمیته مرکزی به تصویب رسید و تصویب نهائی آن به دفتر سیاسی واگذار شد. دفتر سیاسی حزب با وارد کردن اصلاحاتی جزئی متن نهائی قطعنامه را تصویب کرد.

از آنجا که

۱- یک گام تعیین کننده در جهت رشد و تقویت جنبش انقلابی، دخالت و درگیری و تأثیر گذاری وسیع حزب در این جنبش و سازماندهی و رهبری انقلابی که در پیش است پیاده کردن نتایج و سیاستهای مشخص عملی ناشی از مبحث حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی در ایران است.

۲- حضور سیاسی و نفوذ اجتماعی حزب در داخل بسیار بیشتر و فراتر از حضور تشکیلاتی آنست. سازمان حزب به سرعت باید با قدرت و نفوذ سیاسی و اجتماعی آن منطبق شود. حزب در داخل باید اساساً بر پایه بحث حزب و جامعه ساخته شود.

لذا پلنوم بیستم وظایف و اقدامات زیر را در دستور حزب قرار میدهد:

۱- هویت علنی و اجتماعی دادن به گرایش چپ و رادیکال در جنبش کارگری. ظهور و حضور کارگران سوسیالیست و رهبران عملی شناخته شده در میان کارگران و جامعه، ایجاد تشکلهای توده ای، و سازماندهی کمپین حول مسائل مشخص کارگری و اجتماعی از اجزاء اصلی و پیش شرط شکل و هویت اجتماعی دادن به گرایش چپ و رادیکال سوسیالیست در جنبش کارگری است. حزب باید مبتکر و پیشتاز این امر باشد.

گرچه علت پایه ای محدود و در خود بودن سبک کار رهبران عملی و فعالین چپ در جنبش کارگری وجود ده ها سال دیکتاتوری و اختناق در ایرانست، اما دیکتاتوری و سرکوب شدید و مداوم، زمینه رشد گرایشات عقب مانده ای نظیر چپ سنتی و "کارگر کارگری" در جنبش کارگری بوده است که امروز خود با تمکین به و تئوریزه کردن و رواج دادن سبک کار محفلی و محدود و در خود، به مانعی در راه ابراز وجود اجتماعی رهبران عملی و فعالین چپ رادیکال در جنبش کارگری تبدیل شده اند. حزب باید پرچم مبارزه با این سنتهای عقب مانده را بلند کند و پیشرو و مبتکر و راهنمای عرض اندام اجتماعی جنبش کارگری باشد.

۲- متحد و یکپارچه ساختن مبارزات کارگری با یکدیگر و با جنبش های اعتراضی (زنان، جوانان و دانشجویان، معلمان و غیره). مبارزات موجود را باید حول مطالبات حق طلبانه ای که مطرح میکنند به هم تنید.

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **قطعنامه در مورد ابراز وجود اجتماعی ...**

شعار ما اینست: هیچ مبارزه ای نباید منفرد بماند. اعلام حمایت و همبستگی علنی این جنبشها از یکدیگر از طریق انتشار قطعنامه ها و بیانیه ها و پیامها و تومارهای همبستگی و حمایت، گنجاندن شعارها و مطالبات حمایت آمیز از مبارزات بخشهای دیگر طبقه کارگر و مردم در اعتراضات و تحصنها و تظاهراتها و اعتصابات مشخص هر بخش جامعه، حمایت کردن و حمایت خواستن از کارگران و اتحادیه های کارگری در کشورهای دیگر و سازمانها و مراجع مترقی و انساندوست جهانی، از جمله اقداماتی است که فوراً باید در دستور فعالین چپ و رهبران عملی قرار بگیرد. در اینجا نیز نقد سبک کار بسته و درخود رایج در جنبش کارگری حلقه کلیدی است. حزب باید با نقد این سبک کار، مبتکر و اشاعه دهنده حمایتها و اعلام همبستگی ها و بهم تنیدن مبارزات در تمام سطوح باشد.

۳- آماده ساختن و به پیش راندن و مطرح ساختن رهبران عملی و شخصیتهای چپ و سوسیالیست در جنبش کارگری و در جنبش زنان و جوانان و سایر اقشار معترض و فعال در جنبش انقلابی.

این رهبران باید در رابطه با مسائل سیاسی و اجتماعی مختلف بنام خود اعلام موضع و اظهار نظر کنند. کارگران سوسیالیست و رهبران عملی جنبش کارگری باید نه تنها در رابطه با کارخانه و رشته خود، بلکه در قبال مسائل و مبارزات سایر بخشهای طبقه کارگر و همچنین مسائل اقشار دیگر و مربوط به کل جامعه نیز فعال باشند و موضع بگیرند و نظر بدهند. جنبش کارگری باید رهبران عملی محبوب و شناخته شده خود را داشته باشد. فعالین و رهبران رادیکال و چپ مبارزات جوانان و دانشجویان و زنان و سایر جنبشهای فعال علیه جمهوری اسلامی نیز باید شناخته شوند و در یک سطح وسیع اجتماعی نفوذ و محبوبیت کسب کنند.

توازن قوا و رعایت امنیت باید در زبان و نحوه بیان و درجه حدت و صراحت ضد رژیم مواضع و نظرات رهبران عملی خود را نشان بدهد و نه در نفس ابراز وجود علنی آنها. در شرایط حاضر بسیاری از این رهبران برای رژیم شناخته شده هستند و بخش وسیعی از آنان بی سر و صدا دستگیر و سرکوب میشوند. شناخته شدن این فعالین در سطح جامعه امنیت آنها را بالا خواهد برد.

۴- تدارک و سازماندهی کمپین ها و ایجاد تشکلهای توده ای با اتکا به رهبران عملی در جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی.

کمپین حول مسائل مشخصی که مدام در حال اتفاق افتادن است (اخراج، افزایش دستمزد و پرداخت دستمزدهای عقب افتاده و سایر تضییقات به کارگران، موارد مشخص اعدام، شلاق و سنگسار، گرامیداشت روزهای اول ماه مه و ۸ مارس، حجاب اجباری و آپارتاید جنسی، حاد شدن دعوای داخلی رژیم، انتخاباتها و غیره) به شکل علنی و با بکار گرفتن شیوه های ممکن علنی و نیمه علنی نیمه قانونی.

سازماندهی مجامع عمومی و شوراها و دیگر تشکلهای توده ای و تدارک و سازماندهی این سازمانها به شکل علنی و با اتکا به اتوریته رهبران جنبش کارگری. تشکلهای علنی کارگری و توده ای را به شکل مخفی نمیتوان تدارک دید.

۵- رهنمود دهی و آماده سازی و بسیج اعضا و فعالین حزب در داخل برای پیشبرد سیاستهای فوق.

تشکیل حوزه ها و دیگر واحدهای حزبی هر جا ممکن و لازم بود به منظور انجام این وظایف. واضح است که تشکیلات حزب و رابطه فعالین با حزب کماکان باید مخفی بماند. هویت اجتماعی بخشیدن به رهبران چپ، رادیکال و سوسیالیست بر اساس ظهور و حضور علنی شخصیتها و رهبران عملی جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی صورت میپذیرد. رابطه حزب و اعضا و کادرهای محلی حزب با این فعالین و جنبشها باید کاملاً مخفی باقی بماند.

پلنوم بر ضرورت و مبرمیت وظایف فوق تاکید میکند و تشکیلاتهای حزب بویژه کمیته کل کشور و کمیته کردستان را به اتخاذ فوری و همه جانبه این قطعنامه فرا میخواند. *

از صفحه ۱ **درباره اولویتها و جهت گیریها**

مصوب کنگره چهارم رئوس وظایف را روشن کرده است. این وظایف از پیشبرد و رادیکالیزه کردن و گسترش جنبش انقلابی در برابر رژیم حاکم تا برخورد به نیروهای اپوزیسیون در صف ضد انقلاب و رفع موانع و خاکریزهایی که بر سر راه انقلاب ایجاد میکنند و تا خنثی کردن سیاستها و تمهیدات دولت آمریکا و متحدینش در قبال جنبش انقلابی مردم را در بر میگیرد. اینها در زمره وظایف مستقیم رهبری حزب است و نقشی است که باید ارکانها و شخصیتهای رهبری حزب ایفا کنند. از آنجا که قبلاً در مصاحبه دیگری به قطعنامه "حزب کمونیست کارگری و چشم انداز انقلاب" پرداخته ام در اینجا توضیحاتی بیشتری را در این مورد لازم نمیبینم.

در مورد نکته دوم یعنی استنتاجات عملی از مبحث حزب و جامعه، رئوس آن نسبتاً به تفصیل در خود پلاتفرم مطرح شده. موضوعی که در این رابطه جدید است و حزب باید بروی آن متمرکز شود مساله شکل و هویت اجتماعی بخشیدن به گرایش رادیکال سوسیالیستی است. رئوس این بحث نیز در قطعنامه "ابراز وجود اجتماعی رهبران عملی و فعالین چپ" مطرح شده که در همین شماره انترناسیونال بچاپ رسیده است. بعلاوه من خوانندگان را رجوع میدهم به سری مقالات "حزب و جامعه در ایران" که در انترناسیونال منتشر شده اند. این بحث به نظر من وظایف متعدد و نوئی را در عرصه های گوناگون در برابر ما قرار میدهد که اگر بخوبی به پیش برده شود میتواند تحول اساسی در نقش و جایگاه حزب و علی العموم چپ جامعه که بوسیله حزب ما نمایندگی میشود، ایجاد کند.

انترناسیونال: در بحث های تاکنونی شما "رهبری انقلاب توسط حزب" وزن زیادی داشته است. آیا پیش شرط تأمین این رهبری انجام همین وظایفی است که اشاره کردید؟ آیا وظایف دیگری را هم میشود در همین سطح و با همین اهمیت بعنوان پیش شرط تأمین رهبری حزب بر انقلاب مطرح کرد؟

حمید تقوائی: مساله تأمین رهبری حزب در انقلابی که در ایران در حال شکل گیری است به عوامل متعددی گره خورده است که اساساً در دو مبحث "حزب و جامعه" و "حزب و قدرت سیاسی" منصور حکمت این عوامل را مورد بررسی قرار داده است. محور این مباحث تقویت حضور حزب بعنوان یک نیروی مدعی تصرف قدرت سیاسی و قادر به کسب و حفظ قدرت سیاسی در جامعه است. روشن است برای خلع ید طبقه حاکم از قدرت سیاسی راهی بجز انقلاب وجود ندارد. اما بدون یک حزب مدعی و آماده تصرف قدرت، این خلع ید صورت نخواهد گرفت و بعبارت دیگر انقلاب پیروز نخواهد شد. انقلاب بقل منصور حکمت یک مکانیسم اجتماعی برای تصرف قدرت در عصر ماست. این مکانیسم تنها با درگیر شدن یک حزب با نفوذ و در دسترس و محبوب و شناخته شده در سطح جامعه بعنوان یک نیروی رادیکال و شایسته و قادر به تصرف قدرت سیاسی قابل تحقق و عملکردن است. پلاتفرم تنها رئوس وظایف ما در این جهت را مشخص میکند، برای شناخت و بدست آوردن تصویر جامعی از "چه باید کرد" حزب در این دوره باید به مجموعه اسناد و ادبیات حزب در این زمینه، بویژه مشخصاً به نوشته "حزب و جامعه" منصور حکمت، که بحث حزب و قدرت سیاسی نیز در آن توضیح داده شده، سخنرانی او تحت عنوان "آیا کمونیسم در ایران پیروزمیشود" و مصوبات کنگره سوم و چهارم، رجوع کرد.

انترناسیونال: بند دوم قطعنامه اشاره به موضوع مهم گسترش و تقویت حضور سیاسی، تبلیغی و سازمانی حزب در داخل کشور دارد. اولاً منظور این بند چیست، ثانیاً تلویزیون چه نقشی در این میان ایفا میکند؟

حمید تقوائی: واقعیت آنستکه موجودیت سازمانی حزب در داخل کشور بسیار عقب تر از نفوذ اجتماعی آنست. باید از یکسو بر دامنه حضور و نفوذ سیاسی حزب افزود و از سوی دیگر بر پایه این

حضور و نفوذ سیاسی سازمان حزبی را هر چه وسیعتر و منسجم تر کرد.

مبنای کار ما تقویت و گسترش نفوذ حزب بعنوان یک نیروی اجتماعی است که باز در محور آن بحث حزب و جامعه قرار دارد. ما تلقی و تصویر کاملاً متمایزی از چپ سنتی در زمینه تبلیغات و سازماندهی حزبی داریم که هم در مضمون سیاستهای ما و هم در شیوه اجرای آن خود را نشان میدهد. همانطور که نظرات ما در مورد رهبری جنبش کارگری، مکانیسم های هدایت و رهبری آن و همینطور دخالتگری ما در جنبشهای سایر اقشار با نظرات رایج در چپ سنتی تفاوت ریشه ای دارد. بخش اعظم نوشته های منصور حکمت از "تفاوتهای ما" تا "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود" به توضیح این تفاوتها اختصاص دارد. روشن است که مینا و پشتوانه بندهای مختلف پلاتفرم رهبری را نیز این مباحث تشکیل میدهد.

در مورد بخش دوم سوال باید تاکید کنم که یکی از مهمترین ابزار کار ما تلویزیون انترناسیونال است که اخیراً آغاز بکار کرده و ما امیدواریم برنامه های آنرا به ۲۴ ساعت در روز برسانیم. اجرای پیگیرانه پروژه رادیو تلویزیون ۲۴ ساعته و تضمین ادامه کاری آن بعنوان یکی از وظایف رهبری حزب در پلاتفرم تاکید شده است. این حلقه اصلی گسترش نفوذ اجتماعی حزب و به اجرا در آوردن سیاستهای است که بالاتر توضیح دادم. ما تنها با معرفی و تبلیغ سیاستهای حزب در یک مقیاس اجتماعی و در یک سطح گسترده و میلیونی میتوانیم از یکسو حزب را در کانون تحولات سیاسی جامعه قرار دهیم و از سوی دیگر آنرا برای همگان قابل دسترس و قابل انتخاب کنیم. و تلویزیون مناسب ترین وسیله برای کار در این مقیاس وسیع و ملیونی است.

انترناسیونال: بند دیگری از پلاتفرم به تقویت و گسترش نفوذ و حضور حزب بعنوان پرچمدار و سخنگوی طبقه کارگر و برنامه و مطالبات کارگری در صحنه مبارزات جاری ایران اشاره دارد. جنبه های عملی کار حزب برای تحقق این بند چه هستند و ابزار آن چیست؟



حمید تقوائی: در بحثهای اخیر

تحت عنوان حزب و جامعه در ایران درکی که ما از مسائلی نظیر متحد کردن کارگران، سراسری و سیاسی کردن مبارزات کارگری، هژمونی طبقه کارگر و مسائل پایه ای از این قبیل و راه و سیاست عملی برای تحقق این اهداف را مطرح کرده ام. نفس وجود و حضور حزب ما در صحنه سیاسی ایران نحوه نگرش به این مساله و راه حل آن را کاملاً با دوره های قبل متفاوت میکند. حزب ما مدت‌هاست که پرچم برنامه و سیاست طبقه کارگر را نه تنها در رابطه با مسائل مشخص جنبش کارگری بلکه مسائل مختلف اجتماعی بلند کرده است، از مطالبات رفاهی کارگران و نقد "کار ارزان و کارگر خاموش" تا مساله مذهب و زنان و آزادیهای سیاسی و مدنی و تا ساختار حکومتی جمهوری سوسیالیستی و مسائل و اهداف همه جانبه ای که در برنامه یک دنیای بهتر مطرح شده. این یک سطح از حضور سیاسی طبقه کارگر است که مستقیماً و بلاواسطه در وجود حزب خود را نشان میدهد. یعنی حضور سیاسی طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی.

اما در سطح دیگری مساله بر سر تقویت جنبش کارگری به معنای مبارزات بالفعل و روزمره کارگران است. در اینجاست که نکاتی مثل اتحاد کارگران و سراسری و سیاسی کردن مبارزات کارگری مطرح میشود. اینجا دیگر نفس وجود حزب در صحنه سیاسی و نمایندگی کردن اجتماعی طبقه کافی نیست بلکه سیاستهای مشخصی که حزب برای غلبه بر این مشکلات اتخاذ میکند نقش کلیدی در رشد و گسترش و انسجام جنبش کارگری ایفا میکند. من فکر میکنم با مباحث اخیر بعد از پلنوم بیست و یکم گام بلندی برای غلبه بر این مسائل بجلو برداشته ایم.

انترناسیونال: در بندهای دیگری

به تأمین حضور قدرتمند حزب و تثبیت کار روتین حزبی در خارج و تدوین و اجرای نقشه عملیهای سیاسی و تشکیلاتی و نظامی در کردستان و گسترش حضور سیاسی و نظامی در کردستان تأکید میشود.

اولاً تاکنون چه پیشرفتی در جهت این نکات صورت گرفته و ثانیاً چرا تأمین حضور نظامی و گسترش سریع آن به کردستان محدود است؟

حمید تقوائی: در مورد خارج کشور ما در سطح کمپینها و فعالیت در عرصه های مختلف نظیر مساله پناهندگی و حقوق کودک و کمپین علیه حجاب و سنگسار و تهاجم اسلام سیاسی در اروپا و غیره موفق بوده ایم. تشکلهای و نهادهای متعددی در این عرصه ها سازمان داده ایم و رهبران و شخصیتهای حزبی به افراد محبوب و شناخته شده این عرصه ها در کشورهای مختلف تبدیل شده اند. آنچه امروز باید در خارج کشور بر آن متمرکز شد حزب و حزبیت است. باید فعالیتهای روتین حزبی و قوام بخشیدن به سازمان حزبی در خارج را محور کار قرار داد. این پیش شرط گسترش بیشتر و تضمین ادامه کاری کمپینهای مختلف حزبی نیز هست. برای این منظور بحثهای پایه ای صورت گرفته و پلاتفرم و نقشه عمل تشکیلات خارج کشور نیز تدوین شده است که بزودی تصویب و برای اجرا به کمیته های کشوری ابلاغ خواهد شد. در اینجا امکان باز کردن این بحث نیست. من امیدوارم در اولین فرصت متن سخنرانی در مورد حزبیت در خارج را تدوین کنم و برای چاپ در اختیار شما بگذارم.

در مورد کردستان کار نظامی جایگاه ویژه ای دارد. در کردستان سنتا حزبیت مسلح بوده است. ناسیونالیسم کرد که مدتها یک تاز میدان سیاست در کردستان بوده مبارزه نظامی و "پیشمرگایی" را به اساس اعتراض و مقاومت خود و همچنین هر جا منافعش اقتضا کرده به برگی برای سازش با دولت‌های مرکزی تبدیل کرده است. حزب طبقه کارگر در کردستان باید در این عرصه از مبارزه حضور مستقل خود را داشته باشد. صرفاً با مبارزه سیاسی نمیشود در برابر ناسیونالیسم مسلح ایستاد. مساله برای ما تنها سازماندهی یک نیروی مسلح در شهرهای کردستان نیست، بلکه سازماندهی نیروی نظامی در نقد و در مقابل سنتهای پیشمرگایی است. حزب کمونیست کارگری باید نشان بدهد که در این عرصه نیز حرف مستقل خود را

میزند و شیوه کاری متناسب با مبارزات کارگران و اعتراضات شهری دارد. مبانی این بحث را مدتها قبل منصور حکمت روشن کرده است و سیاستهای امروز ما بر همان مباحث متکی است.

انترناسیونال: بند ۱۴ پلاتفرم

میگوید: "ایفای نقش حزب بعنوان سخنگو و پرچمدار عروج مجدد مارکسیسم در سطح بین المللی"، بدون شک در شرایطی که حزب کمونیست کارگری به قدرت برسد تأثیر عظیمی در عروج و تقویت مجدد مارکسیسم و کمونیسم در سطح جهانی میشود. آیا هدف این بند تأکید به نقش حزب در شرایط کنونی و قبل از بقدرت رسیدن حزب است؟ این نقش چگونه باید ایفا بشود؟

حمید تقوائی:

بله منظور نقش حزب قبل از بقدرت رسیدن است. ما در این عرصه بسیار بیش از آنچه تاکنون کرده ایم میتوانیم و باید انجام بدهیم. کلید کار معرفی منصور حکمت و ترجمه و انتشار آثار او از یکسو و از سوی دیگر درگیر شدن در کمپینها و مبارزات در عرصه بین المللی و حول مسائلی نظیر نظم نوین جهانی و اسلام سیاسی است. ما در مقابل اسلام سیاسی و در نقد نظم نوین جهانی حرفهای منحصر بفرد و رادیکالی داریم که مردم دنیا تشنه آنند، چنانکه در اعتراضات بیسابقه ضد حمله آمریکا به عراق در پانزده فوریه سال گذشته این تمایل خود را بروشنی نشان دادند. در پایه ترین سطح این رویکردانی عمومی مردم از سرمایه داری پس از جنگ سرد و دنیای ترور و توحشی که برای مردم به ارمغان آورده زمینه اجتماعی رشد کل چپ و مشخصاً مارکسیسم در سطح جهانی است. منصور حکمت در نوشته طلوع خونین نظم نوین جهانی که در مقطع جنگ اول خلیج نوشت این روند را پیش بینی کرد و سپس در نوشته دنیا پس از یازده سپتامبر در واقع کیفر خواست جهان متمدن را در برابر دو قطب تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلام سیاسی اعلام کرد. این نوشته ها به انگلیسی منتشر شده اند و توجه شخصیتهای سرشناسی را در کشورهای مختلف بخود جلب کرده اند. دارند منصور حکمت را کشف

میکند و به مردم کشور خود میشناسانند. اما این تقریباً خود بخود صورت میگیرد. ما در این عرصه کم کار کرده ایم. باید تعرضی تر و فعال تر ظاهر شویم و به سراغ شخصیها و نشریات و نهادهای چپ برویم و حرفمان را بزنیم. بنظر من مارکسیسم دوره ما با نوشته "تفاوت های ما" منصور حکمت آغاز میشود. این نوشته نقد عمیق کمونیسم های غیر کارگری و بازگشت به عقاید اریجینال مارکس بر متن شرایط انتهای قرن بیست و ابتدای قرن بیست و یک است. از سوی دیگر باید رابطه این نوع مارکسیسم را با مبارزات جنبش های اعتراضی موجود نشان داد. ما هم اکنون در بسیاری از کشورهای غربی کمپین ها و نهاد ها و فعالین سرشناسی در عرصه های مختلف داریم. بسیاری از آنها در مدیا و افکار عمومی کشور خود ساخته شده هستند و اینان نیز نظرها را بخود معطوف کرده اند. ما باید به جوامع و افکار عمومی غرب رابطه بین نظرات و تئوریهای منصور حکمت و فعالیتهای مختلف سیاسی و اجتماعی که دوباره چپ را در عرصه حقوق کودک و سکولاریسم و دفاع از حقوق پناهندگان به بطن جامعه برده است، نشان دهیم. این یعنی شناساندن مارکسیسم فعال و زنده و مربوط و دخالتگر در عمل. این کار تنها از دست حزب ما ساخته است، که خود تجسم رادیکالیسم عمیق و تخفیف ناپذیر و در عین حال فعالیت و دخالتگری در همه عرصه های مربوط به حقوق و حرمت انسانهاست. یک اقدام ما بعد از کنگره چهار ایجاد کمیته ای بنام کمیته روابط بین الملل با وظیفه پیشبرد این کار بود. این کمیته قرارست نشریه منظمی به انگلیسی منتشر کند و فکر میکنم شماره اول آن نیز منتشر شده است.

انترناسیونال: کلاً بنظر شما چه

عواملی بعنوان فاکتورهای مثبت در جهت تحقق پلاتفرم عمل میکنند و کدام عوامل منفی یا مشکلات در مقابل آن وجود دارد؟

حمید تقوائی:

مهمترین فاکتور مثبت جنبش انقلابی گسترده ایست

که در ایران در حال شکل گرفتن است. انقلاب یعنی راه ما، شیوه و آلترناتیو ما برای سرنگونی جمهوری اسلامی و مقبولیت و پذیرفته شدن سیاستها و اهداف رادیکال و انسانی ما در یک مقیاس توده ای در جامعه ایران. اعتراضات وسیع و بی وقفه کارگری برای برخورداری از یک زندگی بهتر، گرایشات عمیق و وسیع ضد مذهبی در جامعه، اشتیاق و عزم زنان برای رهایی و برابری، و شوق و شور جوانان برای دستیابی به یک زندگی شاد و مرفه و مدرن، همه اینها ما را میطلبند و زمینه مساعد سیاسی و اجتماعی برای پیشرویهایی هر چه بیشتر حزب و بقدرت رسیدن حزب فراهم میکند. ما قدرتمان را از جامعه و از مردم میگیریم.

اما عوامل منفی و نقاط ضعف ما اساساً منشأ درونی دارند. از مساله مالی و نیاز شدید حزب به پول که بگذریم باید به مسائل و مشکلاتی که بویژه با از دست دادن منصور حکمت زمینه مساعدی برای نشو نما در حزب یافته است و مدام باید با آنها مقابله کرد، اشاره کنم. مشکل دیگر ندیدن قدرت و قد دادن خود در جامعه و از دست دادن فرصتهاست. اینها از زمره عوامل منفی بر سر راه ماست. منصور حکمت، اگر درست بخاطر داشته باشیم، در کنگره سوم گفت ما استاد از دست دادن فرصتها هستیم. با از دست دادن او در این کار استاد تر هم شده ایم. اما در عین حال منصور حکمت در همان کنگره به این نکته نیز اشاره کرد که دریچه کوچکی برای تصرف قدرت و استقرار سوسیالیسم بروی ما باز شده است. امروز این دریچه عمدتاً به لطف تحولات سیاسی و انقلابی در ایران گشوده تر شده است. و ما همه توان خود را بکار میگیریم تا از این فرصت بی نظیری که انقلاب در اختیار ما قرار داده است به بهترین نحو ممکن استفاده کنیم. پلاتفرم رهبری نقشه عملی است برای غلبه بر ضعفهایمان و بخدمت گرفتن نقاط قوتمان برای به پیروزی رساندن انقلاب، تصرف قدرت سیاسی و برپائی سوسیالیسم در ایران. *

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ برلینی ها دارند میباید

المللی، از زبان "هنرمندان" و "فمینیستهای" محجبه و روزنامه نگاران قبلا پاسدار و قبلا قاتل، اعلام شود که این رژیم در حال اصلاح شدن است و بنابراین چشمها را بر روی رقص مرگ جوانان در مراکز شهرهای ایران ببندید، رویتان را از صحنه سنگسار زنان برگردانید و به فقر و ناداری و تن فروشی و کودکان خیابانی فکر نکنید، به زندان و شکنجه و شلاق و چشم در آوردن و قطع دست، توجه نکنید، حکومت در حال اصلاح شدن است!! اینها همه اهداف کنفرانسی بود که دولت آلمان برای مشروعیت بخشیدن به حکومت جنایت اسلامی و برای مشروعیت بخشیدن به روابط حسنه سیاسی و اقتصادی خود با این حکومت به آن نیاز داشت.

کنفرانس برلین اما به شکست کشانده شد. و ما، حزب کمونیست کارگری ایران، در به شکست کشاندن این کنفرانس نقش حیاتی را بازی کردیم. ما به محض اطلاع از این کنفرانس، در مورد اهداف سیاسی آن و نا مشروع بودن حقانیت بخشیدن به رژیم اسلامی حرف زدیم. ما کنفرانس آلترناتیو سازمان دادیم و اعلام کردیم، هر کس میخواهد حقایق در ایران را بداند، به کنفرانس ما بیاید. ما در بیرون و داخل کنفرانس به افشا جنایات غیر قابل تصور حکومتی پرداختیم که تنها با فاشیستهای دوران هیتلر قابل مقایسه است. ما گفتیم این حکومت قابل اصلاح نیست. به چشم مردم خاک نباشید، این حکومت باید برود و مردم ایران حکم به سرنگونی این حکومت داده اند. ما در برلین نماینده میلیونها نفر مردمی بودیم که جانشان از دست این حکومت به لب رسیده است.

داخل سالن کنفرانس برلین به صحنه هائی مهمی از اعتراض علیه جمهوری اسلامی بدل شد. اعتراض به زن ستیزی جمهوری اسلامی، با نمایش سمبلیک پروانه حمیدی، و شعار دادن مکرر بر علیه حکومت اسلامی از سوی کسانی که سالهای سال بر علیه این حکومت مبارزه میکنند. بجای سخنرانی جلایی پور و اشکوری و گنجی که در دفاع از حکومت اسلامی و قابلیت اصلاحات رژیم و بر علیه اپوزیسیون بود، برگزار کنندگان مجبور شدند که میکروفون را به دست کسانی بدهند

در حاشیه رویدادها

سیاوش دانشور



جمهوری اسلامی و سلاح اتمی

دور دیگری از مجادلات دولتهای غربی با جمهوری اسلامی درباره تلاش رژیم برای دستیابی به سلاحهای هسته ای آغاز شده است. جمهوری اسلامی علیرغم امضای پروتکل الحاقی و توافقهایی کنفرانس تهران، کماکان و مخفیانه سایتها و تاسیسات کوچک دیگری را برای غنی سازی اورانیوم بکار میبرد. دولتهای فرانسه و بریتانیا و آلمان طی بیانییه هائی ضمن ابراز نگرانی اعلام کردند که تداوم روابط تجاری با رژیم ایران منوط به پایبندی به توافقات تاکنونی است. آمریکا با لحن تندتری عدم اعتماد به حکومت اسلامی را در این دعوا

بیان کرد. رژیم اسلامی نیز به مانورهای همیشگی دست زد. به اروپا و آژانس انرژی اتمی اطمینان خاطر داد که به توافقات پایبند است و در عین حال تلاش کرد که از اختلاف رویه اروپا و آمریکا استفاده کند. اما دامنه این مانورهای دیپلماتیک رژیم اسلامی، درست مانند دامنه مانور جناحها در مقابل مردم، هر روز محدودتر و مشروط تر میشود. همه میدانند که رژیم اسلامی میخواهد به سلاح اتمی دست پیدا کند. برای رژیم اسلامی داشتن سلاح اتمی امروز موضوعی استراتژیک است. فکر میکنند یک جمهوری اسلامی اتمی بقای حکومتشان را تضمین میکند، رژیم را در شرایط مناسبتری برای معامله با دولتهای غربی قرار میدهد، و همینطور نقش حکومت ایران در کل جنبش اسلام سیاسی را تحکیم میکند. شکی نیست که یک رژیم اسلامی اتمی خطری بالقوه برای مردم ایران و خاورمیانه و کل جهان است. نه فقط رژیم اسلامی نباید به سلاح اتمی مجهز شود بلکه باید سلاحهای موجود را هم از دستش گرفت. تحمیل هر نوع عقب نشینی به رژیم اسلامی در این زمینه امر مثبتی است، اما خلع

سلاح همه جانبه این حکومت و فرستادنش به گورستان تاریخ در خود ایران عملی خواهد شد. سرنگونی انقلابی این رژیم منحوس، خطر جمهوری اسلامی اتمی را هم منتفی میکند.

در عین حال باید با سیاست یک جانبه دولتها نسبت به داشتن سلاحهای اتمی هم مقابله کرد. سلاحهای کشتار جمعی نباید در اختیار هیچ دولتی باشد. یک پاسخ آزادخواهانه و انسانی، سیاست خلع سلاح عمومی و برچیدن کلیه سلاحهای کشتار جمعی در همه جای جهان است. تحقق این هدف نه کار دولتها که امر طبقه کارگر و بشریت آزادخواه است. این خواست باید به صدر شعارهای مبارزه جهان متمدن علیه تروریسم و میلیتاریسم دولتی و غیر دولتی رانده شود.

لوح یادبود قربانیان ترور میگونوس

قرار است بیستم آوریل در برلین لوح یادبود قربانیان ترور میگونوس پرده برداری شود. عصر ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲، چند تروریست رژیم اسلامی صادق شرفکنندی دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران و همراشان را در رستوران میگونوس واقع در برلین آلمان به مسلسل بستند. این ترور، همانطور که چند سال بعد در حکم دادگاه میگونوس عنوان شد، مستقیما توسط خامنه ای و رفسنجانی و وزارت اطلاعات رژیم و با همکاری سفارت ایران در برلین سازماندهی شده بود. ترور میگونوس ادامه ترور غلام کشاورز در قبرس و صدها عملیات تروریستی دیگر رژیم اسلامی علیه فعالین سازمانهای اپوزیسیون ایران در اروپا و خارج اروپا بود. با این ترور پرونده رفسنجانی، که آلمان تریبونهای دولتهای غربی و

اپوزیسیون جمهوریخواه از او ناجی "اصلاحات" و "کشایش سیاسی" در ایران ساخته بودند، بسته شد. دولت آلمان بعد از سالها وقت خریدن بجای اقدام برای دستگیری سران حکومت، نهایتا مانند دولت فرانسه در مورد ترور شاپور بختیار، به معامله با رژیم اسلامی پرداخت و این پرونده را عملا مختومه اعلام کرد. اما این پرونده مانند هزاران پرونده جنایت و ترور رژیم اسلامی در داخل و خارج مفتوح است و بزودی سران رژیم اسلامی در پیشگاه مردم ایران پاسخگوی آن خواهند بود.

گذاشتن لوح یادبود برای قربانیان ترور میگونوس توسط شهرداری برلین رژیم اسلامی را به تکاپو انداخت. سفارت ایران در برلین و شهردار تهران با لحنی تهدید آمیز تلاش کردند که از این اقدام جلوگیری کنند. این واقعه بار دیگر نام جمهوری اسلامی را بعنوان یک رژیم تروریست به روزنامه ها کشاند و این امر مثبتی است. اما سوالی که بلافاصله مطرح میشود اینست که چرا دولتهای اروپائی کماکان با یک رژیم تروریست و یک مشت کانگستر اسلامی رابطه دارند؟ واقعیت اینست که برای دولتهای غربی منافع اقتصادی به "حقوق بشر" ارجحیت دارد. دامنه حقوق بشر را منافع و سود و زبان سرمایه تعیین میکند. خواست قطع رابطه سیاسی و دیپلماتیک با رژیم تروریستی ایران و بستن سفارتخانه های رژیم، بعنوان مراکز لجستیکی تروریسم اسلامی، امروز باید بیشتر از هر زمان توسط مردم پیشرو و آزادخواه مطرح شود. جنبش آزادی و برابری در ایران بزودی رژیم اسلامی را سرنگون میکند. زندانها و سازمانهای مخوف اطلاعات، که دست برقضا توسط دولت آلمان با تکنولوژی مدرن مجهز شده است، به موزه تبدیل خواهد شد. لیست جنایتکاران و شکنجه گران و تروریست های حکومتی با عکس و تفصیلات در آن نصب خواهد شد. حتما در گوشه ای از این موزه جنایت و توحش نوشته خواهد شد که: سران دولتهای دمکراتیک غربی دوست این جنایتکاران بودند! *

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب